

صفحه‌ی نخست	حقوق بشر	یادداشت هفته	پیوندها	تماس	دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۱ ژوئن ۲۰۰۹
-------------	----------	--------------	---------	------	------------------------------------

زیرا هنگامی که «دیکتاتوری» غالب است، احتمال اینکه عدالتی در جریان باشد، باوری فریبنده و خطرناک است



نظر کاربران - نظر هدایت اشتري لركي و پاسخ علي ناظر

علي ناظر

سال ۱۳۵۷ است ایران بافریاد استقلال آزادی جمهوری اسلامی سرانخواب ۲۵۰۰ ساله برداشته است. درآغاچاری هشتم شهر نفت وگرما. با چندنفرزدوستانم هستند که حالا نیستند درجنگ شهید شدند. یکی ازبچه های چپ به من میگوید هدایت خدادرقرآن گفته که حتما انگلس و لنین ومارکس بنده های مرا ازفقر وبدبختی نجات میدهند.پرسیدم چطور گفت سوره بقره با الم شروع میشود درترجمه فارسی هم آمده که الم رمزی است بین خدا ویغمبر. ولی حالا کشف شده که الم همان رمزی است که از ترکیب سه حرف اول اسامی انگلس و لنین و مارکس درست شده است. زمانی که در پایگاه پنجم شکاری دریانک سپه بودم یکی ازهمافرها به من گفت ابراهیم یزدی در آمریکا همیشه تکبیر را بالهجه آمریکایی تلفظ میکرد یعنی TAKE BEER که کلا با تکبیر اسلامی تفاوت داشت. راستی آقای ناظر ترا به خدا کمی به من سالخورده کمک کنید که لابلای این همه هیاهو تکلیف چیست. شاید خواسته نابجایی باشد ولی من بانگی سیاسی نیستم منم مانند میلیون ها مردم ایران با بااعتقادات مذهبی ویاورهای سنتی خود به امید ایرانی بهتر زندگی میکنم. خدا همه شمارا حفظ کند.

تاریخ ارسال: [Oct 2005 30] [ارسالکننده: هدایت اشتري لركي] [hedayat@noos.fr]

در پاسخ به هدایت اشتري لركي که نظر خود در رابطه با «بلژیک-بروکسل- میدان شومان» در ستون نظر کاربران ثبت کرده اند.

به بهانه پاسخ [تکلیف چیست]

هموطن عزیز سلام. هیاهویی نیست. موضوعی پیش آمده. عده ای مخالف و برخی موافق آن صحبت می کنند. تمرین دموکراسی در یک محیط آرام و متین یعنی همین. کسی به کسی پرخاش نمی کند، تو همین نمی کنی، برچسب نمی زنی، جاسوس و مزدور و بریده و عامل خارجی نمی خوانی، ولی انتقاد خود، و پاسخ به انتقاد، را شفاف بیان می کنی.

بی شک اعتقادات شما (بعنوان فرد مسلمان) در این مقوله بخصوص نقشی نباید ایفا کند. به نظر شخصی من یک مسلمان همانقدر می تواند از قتل یک انسان رنجیده و مظلوم غمزه شود، که یک مسیحی، یهودی و یا بی خدا. من با خیلی از حرفها و کارهای مجاهدین مخالفم، اما با آنها موافقم که مرز بین با خدا و بی خدا نیست، بلکه بین استعمارکننده و استعمار شونده است. فکر کنم مسلمانان به استعمار شونده می گویند مستضعف، و بی خدایان سوسیالیست می گویند مزدبگیر/کارگر. در این مقطع و پس از 26 سال حکومت ظالم، من به «استعمارشونده» می گویم ملت ستمدیده ی ایران - و برای سرنگونی حاکم ظالم، مردم و در رأس آن نیروهای مترقی و دموکرات بایستی متحد شوند. شرکت در این تظاهرات، نه برای صحنه گذاشتن بر ایدئولوژی اسلامی مجاهدین و اینکه آن «هماورد ایدئولوژیکی و سیاسی استبداد مذهبی» است، بلکه گامی است در راستای عملی کردن باورهای خودمان به دموکراسی، حقوق بشر و ضدیت سازش ناپذیرمان با رژیم. باور داشته باشیم که می توانیم (مانند «دیدگاه») مستقل (و حتی مخالف) باشیم ولی از حقوق «مخالفین» خود هم دفاع کنیم. و این می شود تفاوت فاحش و پایه ای ما با رژیم. بی شک ما- همه ی مخالفین رژیم، مدافع حقوق بشریم.

با اجازه یک پیام کلی به همه کاربران: لطفا نظرخود را با حروف لاتین ارسال نکنید.

علي ناظر - 8 آبان 1384 - دیدگاه

منبع: سایت دیدگاه

